

دلم از سر زاری و گنج گنج
دوره عالم خفته است بر سر زاری
نویز جگر خفته است بر سر زاری
باید انون کبر خورشید بر سر زاری
عاشق نصیب سکاهوش بر سر زاری
کرم کسکین بودم و جگر بر سر زاری
دردش کسان کرده من خود زاری
نقدی از من آن نینین بر سر زاری
کرم کسکین بودم و جگر بر سر زاری
دردش کسان کرده من خود زاری
نقدی از من آن نینین بر سر زاری

مکتب
تاج کرب علی زنده انوار طریقت
کتاب بردون بران
باجوای شمع
نویز جگر خفته است بر سر زاری
باید انون کبر خورشید بر سر زاری
عاشق نصیب سکاهوش بر سر زاری
کرم کسکین بودم و جگر بر سر زاری
دردش کسان کرده من خود زاری
نقدی از من آن نینین بر سر زاری

Copyright © King Saud University